

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Reports

گزارشها

فرستنده: عثمان حیدری

۲۵ اگست ۲۰۱۴

بی نظمی در شهر فرگوسن و مشکلات جامعه امریکا



© Photo: AP/Charlie Riedel

آشوب ها در شهر فرگوسن ، وجود مشکلات عمیق در جامعه امریکا را تأیید می کند.
آشوب ها در شهر فرگوسن ، وجود مشکلات عمیق در جامعه امریکا را تأیید می کند. این مشکلات را بدون اصلاح مدل های اجتماعی – سیاسی نمی توان حل و فصل کرد.

دلیل درگیریها در خیابان های فرگوسن ، قتل مایکل براون جوان افریقائی امریکائی توسط مامور پولیس دارن ویلسون است. مقامات در توجیه این کار اعلام کردند که براون به همراه دوستش برای جامعه خطر ناک به نظر می رسیدند ، از آنجا که ۱۰ دقیقه قبل از قتل ، آنها از دکه سیگار فروشی دزدی کردند. اما خیلی زود مشخص شد که تیر به پیشانی براون اصابت کرده است وقتی که با دستهای بالای سر روی دوزانو خم شده بود. در کل ساکنین شهر این عمل پولیس را قتلی خود سرانه و با انگیزه نژاد پرستانه دانسته و با ضرب و شتم اقلیت سفید پوست و ناهنجاری های مدنی به آن پاسخ می گویند. **شرمان هاکینس** یکی از ساکنین شهر فرگوسن به ریانوواستی گفت :

اینجا پولیس روحیه ضد سیاه پوستی دارد. آنها حتی محدودشان می کنند. من فکر می کنم که پولیس با **کوکلاکس کلان** در ارتباط است. تا به امروز اوضاع در شهر فرگوسن آرام نشده است.

شاهدان خاطر نشان می کنند که دلیل این بی نظمی ها برای کشور بی اهمیت است. بر طبق آمار در حال حاضر در امریکا پولیس در هر ۲۸ ساعت یک جوان سیاه پوست تا سن ۲۵ سال را می کشد. اما در فرگوسن این بیماری مدل سیاسی اجتماعی آشکار شد، مدلی که امریکائی ها آن را ایده آل دانسته و آن را بر جهان تحمیل می کنند. درواقع حوادث فرگوسن به سناریوی استاندارد "انقلاب رنگی" تبدیل می شود، مسأله ای که طی بیست سال اخیر کل قاره را فرا گرفته است. امریکائی ها آنچه را که در زمین های غریبه کاشته اند در سرزمین خود برداشت می کنند. کنستانتین دالگوف، نماینده وزارت امور خارجه در امور حقوق بشر، دموکراسی و حکمیت قانون می گوید:

حوادث غم انگیز در شهر فرگوسن به دنبال قتل جوان ۱۸ ساله سیاه پوست مایکل براون توسط پولیس، گواه سطح بالای خشونت در جامعه امریکاست که در امتداد خطوط نژاد پرستی در جریان است. مسأله دیگر این است که مقامات تا این اواخر سعی داشتند این عمل را مخفی کنند. اما نمی توان برای مدت طولانی آن را پنهان کرد. بدون شک، پولیس به درستی از قدرت خود استفاده نکرده است. ابزارهای مورد استفاده برای پولیس نیست بلکه از انبارهای اسلحه ارتش است. در این ارتباط مدافعان حقوق بشر امریکا زنگ خطر را به صدا در آورده اند.

ساکنان فرگوسن یک دلیل دیگر آشوب ها را سطح بالای بی کاری در بین جمعیت افریقائی امریکائی می دانند. بر اساس آمار لس آنجلس تایمز، قتل **پراون** تنها بهانه ای برای بی نظمی هائیسست که ده ها سال است وجود دارد: به دنبال رکود صنعتی سال های ۸۰، "یقه آبی" ها شهر را ترک کرده و به جای آنها خانواده های سیاه پوست فقیر به دنبال شرایط زندگی بهتر آمدند. این روزنامه می نویسد: "برای اکثر ساکنین فرگوسن این شهر سمبل فرصت های از دست رفته است." از سال ۲۰۰۰ سطح متوسط درآمد با احتساب تعدیل تورم، ۳۰ درصد کاهش داشته است.

یادداشت

هیچ گاهی نباید این واقعیت را فراموش نمود، که دولتها در کل دارای دوسیمای و یا دو چهره اند، سیمای قهر و سیمای فریب. در تمام کشور های امپریالیستی تا جایی که امکان دارد و منافع طبقات حاکم به خطر نمی افتد، بیشتر بر چهره فریب دولت تکیه صورت می گیرد؛ مگر به محض کمترین احساس خطری، حتا به خاطر حفظ ما تقدم، چهره خشونت و قهر دولت نیز خود را متباز می سازد؛ چنانچه اینک در فرگوسن خود را نمایانده است.

به نظر من در جامعه امریکا به علاوه آن که در بروز چنین وقایعی، مسأله نژادی نمی تواند بی تأثیر باشد، در اساس سرکوب خونین تمام نیروهائی که خواسته باشند خود را از وضع فلاکت بار فعلی برهانند، مطمح نظر می باشد.

پولیس حافظ سرمایه، با این حرکات به صورت روزمره فریاد می زند، که مفاهیمی از نوع دموکراسی، حقوق بشر، حق شهروندی و امثال آن جای پائی در ادارات پولیس نداشته، و همیشه می باید منتظر خشونت و کشتار پولیس باشند.

ع. حیدری

